

نقش سنت‌های الهی در فعالیتهای اقتصادی از منظر قرآن کریم

سید علی مرتضوی* / دانش‌پژوه ارشد اقتصاد جامعه المصطفی (ع) العالمیه

چکیده

یکی از مفاهیم اساسی در قرآن کریم مفهوم کارکرد سنت‌های اقتصادی است. بانگاهی اقتصادی به آیات قرآن در می‌یابیم که کارکرد سنت‌های اقتصادی نقش مؤثری در تحول اقتصادی دارد، که می‌توان از آن به عنوان سنت و قوانین اقتصادی نام برد و مراد از آن قوانین علمی ثابت و قطعی حاکم بر رفتارها و پدیده‌های اقتصادی است که به کمک آن می‌توان پدیده‌های اقتصادی را تحلیل و بررسی نمود.

بررسی موضوعی آیات قرآن پیرامون سنت‌های اقتصادی در چارچوب مسایل اقتصادی نظیر تولید، توزیع و مصرف را می‌توان دریافت که سنت‌های اقتصادی به صورت کلی براساس رابطه علی و معلولی می‌باشد و در آیات قرآن به دو صورت آمده است.

نخست، به صورت گزاره‌های خبری و مطلق که در آن قوانین اقتصادی به صورت عام و کلی بدون هیچ‌گونه قید و شرط بیان گردیده، مانند سنت رزق، سنت تسخیر و عوامل تولید که خداوند متعال رزق همگان را تضمین نموده و در راستای تحقق آن تمام عوامل و منابع را در اختیار و تصرف انسان‌ها قرار داده است.

دوم به صورت قضایای شرطیه مطرح گردیده و در آن رابطه علی و معلولی بین دو پدیده به صورت شرط و جزا بیان شده است، بدین صورت که اگر شرط تحقق گردد، تحقق جزا نیز قطعی خواهد بود. مانند سنت تغییر نعمت‌ها و سنت برکت یا رشد و توسعه اقتصادی. در این نوع سنت‌ها هرگونه تغییر و دگرگونی در رشد و توسعه اقتصادی منوط و مقید به خواست و اراده انسان‌ها قرار دارد که نشانگر جایگاه، اراده و اختیار انسان در تعیین سرنوشت اوست.

با بررسی عوامل رشد و توسعه اقتصادی از منظر قرآن در می‌یابیم که رفتارهای مانند ایمان، تقوا، شکر، اجرای عدالت، انفاق، کمک به محرومان و توبه و استغفار نقش مهمی در توسعه اقتصادی دارد. در مقابل رفتارهای مانند ظلم و ستمگری، خیانت، استثمار، کفران و ناسپاسی، رباخواری و سایر رفتارهای منفی، مانع رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، سنت، سنت‌های الهی، سنت‌های اقتصادی

قوانین و مقرراتی که در زندگی انسان حکومت می‌کند به یک اعتقاد اساسی استوارند و انسان در زندگی خود به آن تکیه داده است و آن تصویری است که، انسان از جهان هستی که خود نیز جزئی از آن است، دارد و قضاوتی است که در حقیقت آن می‌کند و این مسئله با تأمل در افکار مختلفی که مردم در حقیقت جهان دارند بسیار روشن است و کسانی که جهان هستی را همین جهان مادی محسوس و انسان را نیز پدیده‌ای صددرصد مادی می‌دانند، همه تلاش‌شان را در این راه مبذول کرده تا شرایط و عوامل طبیعت را برای خود رام سازند.

نقش سنت‌های الهی در فعالیت‌های اقتصادی از منظر قرآن کریم از موضوعات جدید است که امروزه در علم اقتصاد و میان رشته‌ای دین و اقتصاد یا قرآن و اقتصاد مطرح است. سنت به معنای قوانین کلی و تغییر ناپذیر؛ به عبارت دیگر سنت الهی یعنی: «ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد یا روش‌هایی که خداوند متعال امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند.

از آیات قرآن کریم استفاده می‌شود که دست یابی به زندگی شایسته و سالم در گرو بهره‌گیری از معارف آسمانی و تفکر و تعقل است و باید خطوط کلی، اصول و شاهراه‌های هدایت را از وحی گرفت در چارچوب آن با کمک قوای ادراکی، اندوخته‌های تجربی را افزایش داد و از این طریق، ابهامات و مشکلات فراروی بشر در زندگی را برطرف کرد.

قرآن کریم مشتمل بر معارف گوناگون در حوزه‌های، اخلاقی، عملی، و ساختاری، سیاست‌های اقتصادی، و اجتماع، آموزه‌های متعدد دارد؛ بنابراین بخش قابل توجهی از آیات قرآن به پدیده‌های اجتماعی و اقتصادی پرداخته است.

این تحقیق تلاش دارد تا نقش سنت‌های الهی در فعالیت‌های اقتصادی از منظر قرآن کریم را بررسی کند از باب نمونه؛ یکی از سنت‌های الهی سنت برکات است، براساس این سنت اگر انسان‌ها ایمان آورند و تقوا پیشه کنند خداوند درهای رحمت را گشوده و برای آن‌ها از آسمان و زمین برکت نازل می‌کند و همینطور با توجه به سنت توکل، هر انسانی که به خداوند توکل کند از عنایات الهی برخوردار شده و منتعم به نعمت‌های مادی و معنوی در دنیا و آخرت می‌شود.

مفهوم شناسی

الف) سنت

۱- سنت در لغت

سنت در لغت به معنای روش، طریق، و قانون، آیین، رسم، سیره، طبیعت (صفی پوری شیرازی، ۱۳۹۳، ۵۹۱) و نیز به معنای فرض، فرضیه، واجب، لازم، احکام دین، راه، دین و شریعت آمده است (فیروزی‌آبادی، بی تا، ج ۴، ۳۳۶). هم‌چنین سنت به معنای سیره است و جمع آن «سنن» است از ماده «سن» به معنای جریان

مستمر یک شیء است و این جریان به سهولت انجام می‌پذیرد این جریان مستمر، ممکن است در عمل یا در کلام و یا در صفتی از صفات باشد که با اختلاف موارد و ضوابط آن مختلف می‌شود (مصطفوی، ۱۳۳۸، ۲۳۷). ابن‌اثیر نیز سنت را در لغت به معنای راه و روش که به صورت عادت در آمده است، گرفته است (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ۲۰۹). هرگاه سنت به خداوند سبحان نسبت داده شود، به معنای قانون کلی حاکم بر جوامع خواهد بود و اگر به انسان‌ها نسبت داده شود به معنای سیره و روش خواهد بود.

۲- سنت در اصطلاح

واژه سنت، معانی و کاربردهای اصطلاحی گوناگونی دارد که در همه موارد با معنای لغوی آن مرتبط است. مهم‌ترین معانی اصطلاحی عبارت است از قول، فعل یا تقریر معصوم. همه مسلمانان به عصمت پیامبر اکرم (ص) معتقدند، بدین جهت قول، فعل و تقریر او نزد همه مسلمانان سنت به شمار می‌رود. از آنجا که شیعه به عصمت اهل بیت (ع) اعتقاد دارد، قول، فعل و تقریر آنان نیز داخل در سنت خواهد بود.

ابن‌اثیر در تعریف سنت می‌فرماید، مراد از سنت، هنگامی که در شرع استعمال می‌شود، حکم و عملی است که پیامبر (ص) به آن امر و یا از آن نهی نموده است و یا هرچه را که پیامبر (ص) مستحب قرار داده است، می‌باشد فرقی نمی‌کند که بصورت کلامی یا بصورت عملی باشد (همان، ۴۰۹). در این معنا «سنت» در واقع هر حکمی است که به هر گونه‌ای به اصول شریعت وابسته باشد و از این رو، سنت، در مقابل «بدعت» می‌باشد؛ و بدعت به معنای چیزی است که با اصول شریعت مخالف باشد. به عبارت دیگر (سنت) به شریعت مستند است و بدعت بیرون از شریعت وارد شریعت شده، اخیراً سنت در مقابل مدرن، مدرنیته و تجدد به کار می‌رود (مرادخانی تهرانی، ۱۳۸۶، ۸۸).

اما منظور ما از سنت الهی معطوف به آینده جهان، هیچ کدام از موارد اصطلاحی فوق نیست بلکه منظور قوانین تکوینی و تشریحی است؛ به بیان دیگر، روش‌های خداوند متعال برای اداره جهان، معیارها و ضوابطی که نظام هستی بر مبنای آن‌ها اداره می‌شود.

۳- سنت در قرآن

در متون اسلامی، به ویژه قرآن کریم در موارد متعددی واژه «سنت» به صورت مفرد و واژه «سنن» در قالب جمع به کار رفته است. «سنت» کاربردهای مختلفی در قرآن کریم دارد، علامه طباطبایی در تعریف سنت می‌فرماید «السنه هی الطریقه المعمولۃ الی تجری بطبعها غالباً أو دائماً» سنت، عبارت از روشی عادی است که طبق طبع و مقتضای آن، چنین روشی در اکثر و یا در تمام موارد جاری و معمول می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۳۴۰).

صاحب مجمع البیان در تعریف سنت ذیل این آیه (۳۳) احزاب می‌فرماید «و السنه الطریقه فی تدبیر الحکم و سنه رسول الله طریقه الی اجراها بأمر الله تعالی فأضيفت إليه و لا یقال سنه إذا فعلها مره أو

مرتین لأن السنه الطریقه جاریه» سنت روشی است که در تدبیر حکم به کار می‌رود و سنت رسول‌خدا عبارت است از روش ایشان که امر خداوند را جاری می‌نماید؛ روشی که یک مرتبه یا دو مرتبه انجام شود سنت نامیده نمی‌شود؛ زیرا سنت به روش متداول و رایج اطلاق می‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۹، ج ۸، ۵۸۱).

شیخ طوسی تکرار را در معانی سنت اخذ نموده و بیان می‌دارد «و اصل السنه الطریقه؛ و من عمل الشیء مره أو مرتین لا یقال: إن ذلک سنه، لأن السنه الطریقه جاریه و لا تكون جاریه بما لا یعتقد به من العمل القلیل»

اصل سنت عبارت است از راه و روش و هرکس کاری را یک بار یا دو بار انجام دهد به آن سنت اطلاق نمی‌گردد؛ زیرا سنت، روشی است که به عمل کم رایج نمی‌گردد (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ۳۶۲).

آیت‌الله جوادی آملی، درباره سنت می‌فرماید: خداوند سبحان اولین سنت‌گذار جهان هستی است. اگر طریق از آفت اختلاف و آفت تخلّف مصون بود به عنوانی سنت ثابت مطرح است، و خداوند از منهج یک نواخت و روش یکسان خود به عنوان سنت مصون از تبدیل و محفوظ از تحویل خبر داده است این سنت الهی که در چهره‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... ظهور می‌یابد و کارآمد است که قرآن کریم ما را با این دانش کارآمد و سنت الهی دعوت و ترغیب می‌کند (جوادی‌آملی، ۱۳۸۰، ج ۱۵، ۵۸۶).

پس با توجه به تعریف‌های ذکر شده «سنت در قرآن»، از نظر مفسران عبارت از رفتارهایی است که خداوند به صورت مستمر در مودر عالمیان و آدمیان انجام داده و می‌دهد از این‌رو، گفته شده سنت الهی، روش‌هایی هستند که خدای متعال، امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند که قرآن از آن به «سنه الله» تعبیر نموده است.

(ب) اقتصاد

۱- اقتصاد در لغت

اقتصاد، در لغت از ریشه «قصد» و به معنای اعتدال و میانه روی است (انوری، ۱۳۸۰، ج ۱، ۵۰۴)؛ واژه اقتصاد از فعل عربی «اقتصد» از ریشه «قصد» گرفته شده که از لحاظ لغوی به معانی «تعادل» یا «وضعیت متوازن و میانه» اطلاق می‌شود (مانده، ۷۷ و توبه ۴۲).

۲- اقتصاد در اصطلاح

تعریف دقیق، جامع و مانع از علم اقتصاد مانند تعریف هر علم دیگری بسیار دشوار است و به طور معمول هر تعریفی ایرادی دارد که جامع یا مانع آن را نقض می‌کند. در گذشته ممکن بود اقتصاد را علم معیشت، علم زندگی، میانه‌روی و نظیر اینها تعریف کنند، ولی امروزه دانشمندان معتقدند باید مفاهیم اصلی و اساسی مانند محدودیت منابع، نیازها و خواست‌های نامحدود بشر نیز در تعریف گنجانده شود.

علم اقتصاد یعنی مدیریت خانه (ارسطو)، اقتصاد، علم بررسی ماهیت و علل ثروت ملل است (آدام اسمیت) علم اقتصاد عبارت است از مطالعه و فعالیت‌های فردی و اجتماعی که برای تأمین رفاه مادی استفاده از شرایط مادی بشر به منظور بهتر زیستن، بکار رفته است (قاسمی و شرف، ۱۳۸۵، ۸). علم اقتصاد چگونگی تصمیم‌گیری جامعه برای آنکه چه چیزی، چگونه و برای چه کسی تولید شود (بگ و فیشر، ۱۳۸۴، ۳). علم اقتصاد دانشی است که پدیده‌های اقتصادی را تغییر و روابط آن‌ها را با یکدیگر تعیین می‌کند (صدر، ۱۳۷۵، ۶۰). علم اقتصاد در چارچوب یک نظام اقتصادی تحقق یافته، رفتارهای اقتصادی را مورد مطالعه قرار داده و به توصیف و تبیین آن‌ها و پیش‌بینی در باره روند آتی آن‌ها پرداخته و براساس آن، سیاست‌ها را پیشنهاد می‌کند (میرمعزی، ۱۳۸۸، ۳۲).

سنت‌های الهی

سنت الهی، یعنی «ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد یا روش‌هایی که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند، البته منظور از «سنت الهی» آن نیست که فعل خاصی مستقیماً و بی‌واسطه از خداوند صادر شود، بلکه خداوند امور را با اسباب و وسایل طبیعی و فوق طبیعی انجام می‌دهد. قرآن کریم در چند مورد بیان فرموده است که هرگز سنت خدا تغییری نخواهد یافت (احزاب، ۲۲ و فاطر، ۴۳). یعنی کار خدا شیوه مخصوص و فرمول ثابتی دارد و تغییر پذیر نیست. در قرآن کریم، این مضمون بطور مکرر و مؤکد یاد شده است: هرگز، سنتی تبدیل به سنت دیگر نمی‌شود (فاطر، ۴۳)؛ این قوانین هم بر اقوام گذشته حاکم بوده است و هم بر اقوام امروز و آینده حکومت خواهد کرد. مراد از سنت‌های الهی، قوانین محکم و استواری است که پایه و اساس نظام موجود در این جهان و جهان دیگر است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ۲۵، و محمدی گیلانی، ۱۳۷۵، ۵۱). اگر این قوانین «سنت الهی» نباشد تمام اوضاع جهان به هم می‌ریزد، اگر جهان ماده بتواند منظم باشد، باید بر طبق یک سری قوانین و سنت‌های لایتغیر اداره شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۸۲).

باید توجه داشت که حاکمیت سنت‌های الهی مغایر آزادی، اراده و اختیار انسان‌ها نیست؛ از دیدگاه جهان‌بینی اسلامی هیچ‌گاه پذیرش سنت‌های الهی، به معنای نفی نقش اراده انسان در تغییر جامعه و تاریخ نیست؛ زیرا انسان با اختیار خویش زمینه اجرای سنت‌های الهی را فراهم می‌سازد. همچنین سنت‌های الهی عام و غیر قابل تبدیل و تحویل هستند؛ یعنی اگر افراد جامعه بر اثر اعمال و رفتار خود در مسیر یکی از سنت‌های الهی قرار گیرند و سرنوشت خاصی در مورد آن‌ها قطعیت پیدا کند، امکان ندارد سرنوشت دیگری بر حیات آن‌ها حاکم شود. سنت‌های الهی نه به کلی عوض می‌شود و نه حتی کم و زیاد و خفیف و شدید می‌شود؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید: «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی وجود ندارد (فتح، ۲۳).

مطالعه سنت‌های الهی و بهره گرفتن و عبرت آموختن از این قوانین «لا یتغیر الهی»، آینده را برای ما روشن می‌نماید، چرا که سنت‌های الهی فرا گیرند و هر کس مرتکب عملی شود که اقوام گذشته آن را انجام داده‌اند، قطعاً همان سنت‌های معمول در حق گذشتگان، گریبان‌گیر او هم خواهد شد. تأثیر عملکرد اقوام و ملت‌ها در شکوفایی یا سقوط تمدن، عذاب‌های نازل شده بر اقوام در اثر گناه و... مطالبی است که از تحقیق در سنت‌های الهی برای افراد روشن می‌شود. از این رو شناخت سنت و ویژگی‌های سنت‌های الهی و تعیین مصادیقی از آنها می‌تواند برای افراد طالب سعادت، راه گشا باشد.

ویژگی‌های سنت الهی

الف) کامل بودن سنت الهی

از آنجای که علم و قدرت خداوند عین ذاتش می‌باشد از همه چیز آگاهی کامل و لازم دارد، هر چه را اراده می‌کند، ایجاد می‌نماید. سنت او مطابق نیاز و شرایط وجودی موجودات در هر زمانی است علم و حکمت خداوند اقتضای این دارد که کاستی در آن وجود نداشته باشد؛ سنت الهی، کامل‌ترین و جامع‌ترین است، زیرا از علم نامتناهی سرچشمه می‌گیرد نیاز به اضافه تبصره و ماده ندارد و هم‌چنین سنت الهی جامع افراد و مانع اغیار است (زکوی، ۱۳۹۲، ۴۸).

ب) ثابت بودن سنت‌های الهی

قرآن می‌فرماید: «ما کسانی را که در گذشته شبیه شما بودند هلاک کردیم؛ آیا کسی هست که پند گیرد؟» (بقره، ۵۱)

هم‌چنین می‌فرماید: «جزا و پاداش، فضل و برتری نه به آرزوهای شما و نه به آرزوهای اهل کتاب است؛ هر کس کار بدی بکند کیفر داده می‌شود.» (نساء، ۱۲۳) حمایت خداوند دلخواه شما مسلمانان و یا شما گروهی از مسلمانان منحرف و خیال‌پرداز نیست و به دلخواه اهل کتاب هم نیست؛ بلکه کرامت نزد خدا و حمایت خدا از شما دائر مدار اعمال شما است، اگر خیر باشد، خدا هم نظر خیری به شما خواهد داشت و اگر شر باشد به جز شر پاداشی نخواهد داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵، ۱۶۱)، بر این اساس سنت الهی، پاداش اثر طبیعی اعمال محسوب می‌شود و هیچ چیزی از آن تخطی نمی‌کند (رشیدرضا، ۱۹۴۷، ج ۵، ۴۳۴).

ج) قطعی بودن سنت الهی

پدیده‌های جهان، محکوم یک سلسله قوانین ثابت و سنت‌های بدون تغییر الهی می‌باشند؛ به این ترتیب سنت‌های الهی نه به کلی عوض می‌شود، و نه حتی کم و زیاد و ضعیف و شدید می‌شود، از جمله اینکه خداوند در مورد گناهان و جرائم مشابه مجازات‌های مشابهی از هر جهت قائل می‌شود، نه اینکه مجازاتی را برای گروهی قائل شود و گروه دیگری را معاف سازد، و نه اینکه مجازات گروهی را کم‌تر و

یا ضعیف‌تر کند، و چنین است قانونی که از ریشه ثابتی مایه گرفته که تبدیل، تغییر و دگرگونی در آن نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۸، ۲۹۷).

د) عدالت بودن سنت الهی

تمامی سنت‌های الهی بر پایه یک اصل استوار است که آن اصل عدالت الهی است؛ در واقع سنت‌های موجود، مصداق عدل الهی می باشد و به عنوان سنت مستقل مطرح نیستند و همه آن‌ها در این اصل مشترک‌اند.

عدالت از جلوه‌های بارز ثبوتی خداوند است و قرآن کریم آفریدگار جهان را «قائماً بالقسط» می‌داند (آل عمران، ۱۸). مقصود این است که عدالت جهان، خود مفهوم قیام خداوند به عدالت است؛ زیرا که قرآن نتایج تربیتی حقایق و وقایع را مطرح می‌سازد، بی‌آنکه برای تعیین حقایق و تحلیل ابعاد آن‌ها درنگ کند یا وارد جزئیات آن‌ها شود (صدر، ۱۳۸۶، ۷۳-۶۳).

اقسام سنت‌های الهی

با کمی دقت و ژرف‌نگری در ادیان توحیدی در می‌یابیم که سنت‌های الهی شامل همه ابعاد زندگی این جهان و جهان آخرت انسان‌ها می‌شود بنابراین ما با توجه به موضوع مورد بحث، در ادامه سنت‌های مرتبط با شئون اقتصاد را در سه گروه سنت‌های تولید، سنت‌های توزیع و سنت‌های مصرف تقسیم کرده و به آنها می‌پردازیم.

سنت‌های الهی در تولید

۱- سنت تسخیر

تسخیر در لغت به معنای رام کردن، فرمانبردار کردن و مقهور گردانیدن کسی یا چیزی و نیز تکلیف برانجام دادن کاری بدون اجرت است (ازهری، ۲۰۱۰، ج ۶، ۲۰۳).

قرآن کریم از مسخر نمودن آسمان و زمین توسط بشر حرف می‌زند: «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» «وَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» خورشید و ماه و آنچه در آسمان‌ها و زمین است از سوی خودش مسخر شما ساخته؛ در این نشانه‌های «مهمی» است برای کسانی که اندیشه می‌کنند» (جاثیه، ۱۳-۱۲)

از آیه اول، چنین استفاده می‌شود که خداوند به خاطر شما دریا را مسخر کرد، تا بشر بتواند معادنی که در قعر دریا وجود دارد تولید و در اختیار دیگران قرار دهند، تا همه انسان‌ها از این منابع بهره‌مند شوند. با توجه به معنای تسخیر، و با توجه به آنچه در آسمان‌ها و زمین است، می‌توان به این نتیجه رسید که اجزاء عالم مشهود همه بر طبق یک نظام جریان دارد، نظامی واحد، که بر همه آنها حاکم است و بعضی را بعضی دیگر مرتبط، و همه را با انسان مربوط و متصل می‌سازد، و در نتیجه انسان در زندگی خود از

موجودات ثلثا و سُفلی منتفع می‌شود و روز به روز دامنه انتفاع و بهره‌گیری جوامع بشری از موجودات زمینی و آسمانی گسترش می‌یابد، و آنها را از جهات گوناگون واسطه رسیدن به اغراض خود یعنی مزایای حیاتی خود قرار می‌دهد، پس به همین جهت تمامی این موجودات مسخر انسانند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ۲۴۶).

قرآن کریم می‌فرماید، «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ» مگر نمی‌بینید که خداوند هر چه را که در آسمان‌ها و زمین هست رام شما کرد؟ و نعمت‌های خویش را آشکارا و نهان بر شما کامل نمود؟ و باز بعضی از مردم بدون علم و هدایت و کتاب، در باره خدا مجادله می‌کنند (لقمان، ۲۰).

از دستورات قرآن کریم این بدست می‌آید آنچه در زمین است از روز اول در اختیار بشر قرار گرفته است، در صورتی که بشر به منابع تحت‌الارضی یک‌جا و یک‌مرتبه دست نیافته است، بلکه تدریجاً و در هر عصری تا حدودی از این منابع الهی آگاهی یافته و آن را استخراج کرده است و مقصود از آن این نیست که تمام ذخایر زمین در اختیار تمام افراد بشر قرار داده شده است، زیرا بسیاری از این معادن با مرور زمان کشف شده و در هر قرن یک طبقه ممتاز موفق به کشف منابع تحت‌الارضی شده‌اند و تولیدی صورت گرفته است؛ بلکه مقصود مجموع اجتماع بشری است که در طول زمان به وجود می‌آیند اگرچه بعضی از آنها فقط به برخی از معادن دست می‌یابند و تولید می‌کنند ولی همه انسان‌ها از آن استفاده می‌کنند.

۲- سنت امداد

پرداختن به مسئله امداد و آگاهی از شرایط، انواع و کارکردهای این سنت اجتماعی، از مصادیق آشکار تأمل و تدبّر در آیات قرآن کریم است که امداد خداوند به‌عنوان یک قانون و سنت الهی مطرح می‌گردد (صافات، ۷۳-۷۱). خداوند با اشاره به سرگذشت پیشینیان، همگان را به تأمل و تفکر در این باره دعوت می‌کند (آل عمران، ۱۳۷). از دیدگاه قرآن کریم، عملکرد امت‌های سابق و همچنین نحوه رفتار خداوند در قبال آنان یک سنت جاری و همیشگی است (فاطر، ۴۳). قرآن با تصریح بر این که سنت‌های الهی تغییر ناپذیری است به همین دلیل، امداد و نصرت که یکی از سنت‌های الهی می‌باشد را به عنوان یک سنت و قانون دائمی مشمول پیامبران و مؤمنان در همه زمان‌ها می‌داند (غافر، ۵۱) سنت امداد به دو قسم مطلق و مقید تقسیم می‌گردد:

سنت امداد مطلق، شامل همه انسان‌ها، از آن جهت که انسان هستند می‌شوند، قرآن می‌فرماید، «كُلًّا نُمِدُّ هُوْلَاءِ وَهَؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا» هر یک از این دو گروه «دنیا طلب و آخرت طلب» را از عطای پروردگارت بهرمنند می‌گردد (اسرا، ۲۰).

پس اهل دنیا در دنیای خود و اهل آخرت در آخرت خود از عطای خدا استمداد می‌کنند، و در این عطا کردن چیزی جز حمد عاید خدای سبحان نمی‌شود، آری هر چه او عطا می‌کند انعامی است بر آدمی

که آن را در موضع نیکو و موردی که پروردگارش راضی باشد استعمال کند، و اما اگر فسق بورزد و آن نعمت را در آن مورد نیکو استعمال نکند در حقیقت کلمه خدا را از جای خود تحریف کرده و نباید جز خود کسی را ملامت کند، به هر حال خداوند مستحق ثنای جمیل می‌باشد و حجت بالغه او تمام است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ۹۲).

در مقابل سنت مطلق، سنت مقید است اختصاص به اهل حق و اهل باطل دارد. قرآن کریم می‌فرماید: و هر کسی تقوای الهی پیشه کند و در فکری تولیدات با کیفیت در جامعه اسلامی باشد هیچ زمان بر شکست نخواهند شد چرا که پروردگار عالم راه نجاتی را برای او فراهم می‌کند، او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد (طلاق، ۳-۲) کسی که بر خدا توکل کند و تولید خود را ادامه دهد و اراده خدای سبحان را بر اراده خود مقدم بدارد و عملی را که خدا از او می‌خواهد که همان تولید سالم و با کیفیت بر عملی که خودش دوست دارد که تولید بستر ولی به کیفیت ترجیح بدهد، چنین بنده‌ای به خاطر اینکه بر خدای تعالی توکل کرده، کالای با کیفیت در اختیاری انسان قرار داده، و همه امور خود را به او واگذار نموده، هیچ چیز از کمال و از نعمت‌هایی را که قدرت به دست آوردن آن را در خود می‌بیند از دست نمی‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۹، ۵۲۷).

۳- سنت کار و تلاش

خداوند، انسان را در دنیا خلق نموده و برای زندگی دنیوی او همه نعمت‌ها را در تسخیر او درآورد. تا با تلاش، آن نعمت‌های الهی را به دست آورده، و مورد استفاده قرار دهد. نیازهای فردی و اجتماعی و نعمت‌های موجود در جهان و مطابق نیازهای بشری، زمینه مناسبی است تا انسان تلاش‌گر به زندگی مناسب و در شأن خود در دنیا برسد و هم این تلاش‌ها ذخیره‌ای برای آخرت او باشد. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: دنیا کشت‌زار آخرت است (ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۴، ۲۲۵). در روایات، تلاش انسان در دنیا به مزرعه تشبیه شده است، یعنی انسان به اندازه تلاش خود از دنیا بهره می‌برد. قرآن کریم می‌فرماید: این‌که انسان به جز کار و تلاش سرمایه‌ای ندارد (نجم، ۳۹).

قرآن نمی‌فرماید: بهره انسان کاری است که انجام داده، بلکه می‌فرماید تلاشی است که از او حاصل شده است؛ مهم تلاش و کوشش است هر چند انسان احیاناً به مقصد و مقصودش نرسد اگر نیتش خیر باشد خدا پاداش خیر به او می‌دهد، چرا که او خریدار نیت‌ها و اراده‌هاست، نه فقط کارهای انجام شده و آیا خبر ندارید که سعی و کوشش او به زودی دیده می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸ ج ۲۲، ۵۵۰).

قرآن کریم می‌فرماید: و چه بسیار جنبه‌ای که نمی‌تواند رزق خود را تامین کند خدا آن‌ها را و شما را روزی می‌دهد و او شنوای داناست. در این آیه شریفه مؤمنین را دلخوشی و دلگرمی می‌دهد جهت رزق نگرانی نداشته باشند، و بدانند هر جا باشند خدا رزق شان را در آنجا می‌دهد، و یقین داشته باشند که از

گرسنگی نخواهند مرد، و بدانند که رازقشان پروردگار است، نه آب و خاکشان، و به این منظور می‌فرماید: چه بسیار از جنیدگانند که رزق خود را ذخیره نمی‌کنند، بلکه خدا روز به روز رزقشان را می‌رساند، شما انسان‌ها نیز هر چند که ذخیره می‌کنید، ولی باید بدانید که روزی دهنده شما خداست و او شنوا و داناست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۲۱۸ و زکوی، ۱۳۹۲، اف ۱۵۱).

به طور کلی، تشویق به کار و تولید از ویژگی‌های فرهنگ اسلام است؛ اما آنچه که سبب گردیده است عده‌ای توسعه‌نیافتگی کشورهای اسلامی را به فرهنگ اسلامی نسبت دهند، ناآشنایی آنان به این فرهنگ و براداشت ناصحیح از برخی عناصر آن می‌باشد، حتی باید توسعه نیافتگی کشورهای اسلامی را در نهادینه نشدن این عنصر و گسترش فرهنگ تنلبی، بیکاری، کم‌کاری، تعطلات نامنظم بیش از اندازه دانست که عامل اصلی آن در القای نادرست از فرهنگ اصیل اسلامی و یا سرگشتگی و وادادگی در فرهنگ بیگانه است (هادوی‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۷۹).

۴- سنت ایمان و تقوا

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَ لَكن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» اگر اهل قریه ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌ساختند هرآینه باز می‌کردم بروی آنها درهایی از برکات آسمان و زمین ولی چنین نکردند بلکه انبیاء الهی را تکذیب کردند و از همین جهت آنان را با آن جرائمی که برای خود کسب کرده بودند به کیفر اعمالشان مجازات کردیم (اعراف، ۹۶).

علامه طباطبایی تصریح فرموده در جمله «لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» استعاره به کنایه به کار رفته، برای اینکه برکات را به مجرایی تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد، باران و برف هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارد، هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده، در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان می‌شود، البته این در موقعی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند و گرنه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ۲۵۵).

ایمان و تقوای انسانی به او این امکان را می‌دهد تا از منابع خام، محصولات و فرآورده‌های را داشته باشد که زندگی او را آسان تر و بهتر کند. کسی که معتقد به خداوند و هدفمندی هستی است بر این باور است که کار، تولید و تلاش او می‌بایست در راستای تحقق هدفی بلند و کمال آرمانی باشد. این هدف بزرگ و متعالی رشد کمی و کیفی و اقتصادی را معنایی دیگر می‌بخشد و اجازه نمی‌دهد تا به استثمار و استعمار دیگران بپردازد و از انفاق و کمک مالی به دیگران خودداری ورزد.

۵- سنت رزق

رزق به معنی عطاء و بخشش مستمر است، که مطابق با نیازهای فرد برای ادامه حیاتش باشد، از آنجا که روزی الهی عطای مستمر او به موجودات است به آن رزق گفته می‌شود. البته مفهوم آن تنها در نیازهای

مادی خلاصه نمی‌شود بلکه هرگونه عطای مادی و معنوی را شامل می‌گردد. بنابراین هر گونه بهره‌ای را که خداوند نصیب بندگان می‌کند از مواد غذایی، مسکن و پوشاک، و یا علم، عقل، فهم، ایمان، اخلاص، خانواده، همسر و فرزند... به همه این‌ها رزق گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ۱۱۵ و هادوی‌نیا، ۱۳۸۶، ۱۹۵).

قرآن کریم می‌فرماید: بی‌تردید خدا خود روزی‌دهنده و صاحب قدرت استوار است (زاریات، ۵۸). رزاق یعنی دائماً روزی می‌دهد. «هُوَ الرَّزَّاقُ»؛ یعنی دائمی است و به خودی خود قطع نمی‌شود مگر عاملی سدّ راه آن شود. اگرما عقیده داشته باشیم که روزی‌دهنده دائمی خداوند است، دیگر برای هیچ چیز دروغ نمی‌گوییم. و احتکار صورت نه خواهد گرفت؛ احتکار که نه تنها نوعی پایمال کننده حقی از حقوق افراد است، بلکه در اثر وجود پول، یعنی وسیله مبادله کالا در دست مردم با نبودن کالا در بازار یا کمبود آن، تورم که از بیماری‌های بسیار خطرناک اجتماعی است به وجود می‌آید که در صورت ادامه، آثار ناهنجار معنوی نیز در پی خواهد داشت و در نهایت در زنجیره نظام جامعه اختلال ایجاد خواهدکرد و در نتیجه کاهش تولید خواهد بود.

کاهش بهره‌وری، افزایش تورم، حذف وجدان کاری، تضاد طبقاتی و دو قطبی شدن جامعه، فساد گسترده مالی، ناعادلانه شدن سیستم توزیع و تأمین منافع گروه خاص، صدور سرمایه به خارج، مصرف زیاد، ناامنی در بخش تولید، رشد فعالیت‌های ناسالم و گرایش سرمایه‌ها به بخش‌های خدماتی و واسطه‌گرایانه، این‌ها بخشی از پیامدهای منفی رانتهای اقتصادی است که با نداشتن اعتقاد به رزاق بودن خدا بوجود می‌آید.

در نتیجه بارو داشتن به رزاق بودن پرورگار رشد تولید و بهبود اقتصاد در کشورهای اسلامی را در پی خواهد داشت، و یکی از عوامل مؤثر در اقتصادی اسلامی که باعث شکوفایی تولید می‌شود اعتقاد به رزاقیت خداوند متعال است (ابن خلدون، ۱۳۷۴، باب ۵، فصل ۱، ۳۸۰).

سنت‌های الهی در توزیع

مقصود از «توزیع» تخصیص و تقسیم متوازن ثروت‌های طبیعی و درآمدهای اقتصادی بین افراد جامعه است؛ به گونه‌ای که هر کس به سهم واقعی خود برسد و حاصل فعالیت‌های اقتصادی‌اش به وی برگردد. اساسی‌ترین وجه تمایز نظام‌های اقتصادی (سوسیالیزم، کاپیتالیزم و اسلام) به مسئله‌ی «توزیع» بر می‌گردد؛ به گونه‌ای که هر یک از این سه مکتب مدعی داشتن عادلانه‌ترین نظام توزیع‌اند.

از آیات قرآن استفاده می‌شود مشکلات اقتصادی بشر، ناشی از کمبود مواد اولیه و یا بخل طبیعت نیست، بلکه علت اساسی آن توزیع ناعادلانه و بهره‌وری نادرست مصرف‌بی‌رویه از امکانات موجود است. قرآن پس از برشمردن نعمت‌های فراوان می‌فرماید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعَدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا

تُحْصُوها إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم، ۳۴) و از هر چه که از او خواستید به شما عطا کرد و اگر بخواهید نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید. به یقین انسان ستم پیشه و ناسپاس است.

از عبارت «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» استفاده می‌شود که بشر امکانات خدادادی را با ناسپاسی هدر می‌دهد. روشن است کاربرد واژه «ظلوم» پس از یادآوری نعمت‌های مادی، به ستمی اشاره دارد که انسان‌ها در امور اقتصادی به یکدیگر روا می‌دارند، و واژه «کفار» هم به ناسپاسی و کفران نعمت‌ها اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ۸۶). به تعبیر شهید صدر واژه «ظلوم» بیشتر در توزیع نابرابر ثروت‌ها و واژه «کفار» بیشتر در مصارف بی‌رویه‌ی منابع و اهمال در حفظ و نگهداری آنها ظهور می‌یابد (صدر، ۱۳۷۵، ۳۳۳-۳۳۲).

به هر حال از این آیه به روشنی استفاده می‌شود که مشکلات اقتصادی بشر ریشه در توزیع ناعادلانه ثروت دارد، زیرا اقلیتی با تکیه بر زور و تزویر، منابع ثروت را به خود اختصاص می‌دهند و توده‌های مردم را از حق طبیعی خود محروم می‌سازند. در نتیجه دو پدیده‌ی فقر و تکاثر که زمینه‌ساز بسیاری از مشکلات اجتماعی و مفاسد اخلاقی‌اند، بر شاه‌رگ حیاتی اقتصاد پنجه می‌افکنند (چپرا، ۱۳۸۱، ۳۲۷-۳۲۶).

۱- افزایش صدقات

در قرآن صدقه مفهومی گسترده دارد، علاوه بر صدقات مستحب، بر زکات واجب هم اطلاق می‌شود؛ چنان‌که در این آیه آمده است: «أَنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۶۰).

زکات فقط از آن فقرا و تنگ‌دستان و عاملان آنست و آن‌ها که جلب دل‌هایشان کنند، و برای آزاد کردن بردگان و قرض‌داران و صرف در راه خدا و به راه ماندگان است، و این قراری از جانب خداست، در برخی از آیات قرآنی، زکات واجب اموال به عنوان صدقه بیان شده، چنان‌که گاه از انفاق نیز به صدقه تعبیر می‌شود. براین اساس تفاوت معنایی میان صدقه و انفاق و زکات نیست و می‌توان گفت که صدقه معنای عام و گسترده دارد که شامل هرگونه اخراج مال در راه خدا می‌شود. از نظر لغوی اختصاص به موردی خاص ندارد بلکه تنها قید آن همان رضایت پروردگار است (الازهری، ۲۰۱۰، ج ۱۰، ۱۹۶). صدقه آن چیزی است که انسان از مال خود در راه خدا با میل و اشتیاق انفاق کند (راغب اصفهانی، بی‌تا، ۲۷۸). صدقه، اعم از اینکه واجب باشد یا مستحب، مطلق انفاق در راه خداست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۳۹۷).

بی‌تردید رسیدن به توازن اجتماعی و تقارن نسبی افراد جامعه در برخورداری از سطح زندگی شرافتمندانه از اهداف اقتصاد اسلامی است. و هم‌چنین اصل عدم تمرکز ثروت و رفع اختلاف‌های فاحش و غیر عادلانه در نظام اقتصادی از اهداف عالی‌ه تعالیم اسلام می‌باشد، که در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است، به طوری که طبق آیه شریفه «مَأْفَاءَ اللَّهِ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي

الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر، ۷).

این عبارت کوتاه «کَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ» خطوط اصلی اقتصاد در نگاه اسلام را نشان می‌دهد. اسلام می‌خواهد با این ساز و کارهای توزیعی از انباشته شدن ثروت در دست افرادی خاص جلوگیری نماید و آن را مانند خون به تمام رگ‌های حیاتی جامعه برساند. اگر چنین اتفاقی بی‌افتد و همگان به این اصل پایبند باشند و حقوق مالی‌شان را پرداخت نمایند، و نظام توزیع خودکار، دچار رکود و اختلال نگردد، قطعاً همه بی‌نیاز خواهند شد و طبقه محروم نخواهیم داشت؛ در بینش دینی، نابرابری‌های ناشی از میزان استعداد، مهارت، ابتکار، و قابلیت‌های شخصی پذیرفتنی است. بلکه برای بقای حیات انسان و جامعه ضروری است، ولی اگر دامنه نابرابری‌ها در توزیع منابع اولیه، درآمدها، امکانات زیستی، مشاغل و فرصت‌های اجتماعی به جایی کشیده شود که عده‌ای باج‌خواهانه سهم بیشتری را به خود اختصاص دهند، جامعه در معرض آشوب‌های اجتماعی قرار خواهد گرفت و رشته تعادل آن در اثر آتش شکاف طبقاتی از هم خواهد گسست (حکیمی، ۱۳۹۵، ج ۴، ۳۳۱).

قرآن با اشاره به این حقیقت می‌فرماید: «هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ ... وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» (محمد، ۳۸) آری شما همان گروهی هستید که برای انفاق در راه خدا دعوت می‌شوید ولی بعضی از شما بخل می‌ورزید... و هرگاه سرپیچی کنید، خداوند گروه دیگری را جایگزین می‌کند.

عبارت «يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ» اشاره به این است که تراکم ثروت در دست طبقه‌ای خاص، به معنی محرومیت اکثریت جامعه است، چنین جامعه‌ای، پس از مدتی تحمل و سکوت، مانند انباری پر از باروت منفجر خواهد شد و آشوب‌های اجتماعی، طومار زندگی طبقه‌ی ثروتمند و مرفه را در هم خواهد پیچید و طبقات دیگر را جایگزین آن‌ها خواهد کرد. به دیگر بیان، مفهوم مخالف آیه آن است که هدف اسلام از توزیع متناسب و متوازن ثروت بین مردم تأمین امنیتی، سیاسی و اجتماعی است و در صورت بی‌توجهی به این اصل، جامعه در آتش آشوب‌ها و انقلاب‌ها خواهد سوخت.

اگر یک فرد در جامعه دچار فقر و احتیاج شد تبعات فقر او دامن‌گیر همه جامعه شده و سبب هلاکت همه اجتماع می‌شود، بنابر قرآن کریم می‌فرماید «وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (بقره، ۱۹۵) در راه خدا انفاق کنید: (و با ترک انفاق) خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست دارد، علامه طباطبایی می‌فرماید این کنایه است از اینکه مسلمان نباید نیرو و استطاعت خود را هدر دهند، چون کلمه دست به معنای مظهر قدرت و قوت است، اگر در جامعه اسلامی توزیع عادلانه وجود نداشته باشد اقتصاد جامعه به دست یک

عده از افراد قرار خواهد گرفت و فقرا که نیروی اصلی جامعه است زیر بار فقر نابود خواهد شد و نیروی عظیم جامعه از دست خواهد رفت و جامعه از مسیر اصلی خود خارج می‌شود، و هلاکت که در آیه مبارکه آمده است به معنای آن مسیری است که انسان نمی‌تواند بفهمد کجا است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ۲۹۳).

۲- محقق و نابودی ربا

ربا در تمام تاریخ، توسط فرستادگان الهی تحریم شده است و حتی فیلسوفان مادی و غیرالهی نیز ربا را تحریم و رباخواری را تقبیح کرده‌اند. ربا همواره در جوامع اسلامی مانعی بزرگ در برابر توزیع عادلانه، و چالشی بر سر راه پژوهشگران و مجریانی است که در تلاش برای احیای شیوه‌های توزیع عادلانه اسلامی هستند. با توجه به اینکه قرآن مجید منبع اصلی و سند کاملی برای تمام امور، از جمله امور اقتصادی است، در شش جا قرآن کریم به‌طور مستقیم و صریح و با لحن شدید، به تحریم ربا پرداخته و آن را اعلام جنگ با خدا و رسولش دانسته است. و به‌صراحت نام ربا ذکر شده است، «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَ يُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره، ۲۷۶) خداوند، ربا را نابود می‌کند؛ و صدقات را افزایش می‌دهد! و خداوند، هیچ انسان ناسپاس گنهکاری را دوست نمی‌دارد.

«الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره، ۲۷۵) کسانی که ربا می‌خورند، (در قیامت) برنمی‌خیزند مگر مانند کسی که بر اثر تماس شیطان، دیوانه شده (و نمی‌تواند تعادل خود را حفظ کند؛ گاهی زمین می‌خورد، گاهی بپا می‌خیزد). این، به خاطر آن است که گفتند: «داد و ستد هم مانند ربا است (و تفاوتی میان آن دو نیست.) در حالی که خدا بیع را حلال کرده، و ربا را حرام؛ اگر کسی اندرز الهی به او رسد، و (از رباخواری) خودداری کند، سودهایی که در سابق (قبل از نزول حکم تحریم) به دست آورده، مال اوست؛ (و این حکم، گذشته را شامل نمی‌گردد)»

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» «فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَ لَا تُظْلَمُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، و آنچه از (مطالبات) ربا باقی مانده، رها کنید؛ اگر ایمان دارید، اگر (چنین) نمی‌کنید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد! و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما، از آن شماست (اصل سرمایه، بدون سود)؛ نه ستم می‌کنید، و نه بر شما ستم وارد می‌شود.

ایجاد و افزایش شکاف طبقاتی یکی از پیامدهای منفی ربا در جامعه اسلامی است که ارزش و جایگاه پول را به عنوان عنصری ارزش آفرین، مسبب ایجاد ثروت، درآمد و اشتغال دگرگون می‌کند و مانع از رشد و پیشرفت کشور می‌شود، فردی که اقدام به دریافت ربا می‌کند در واقع از سر ناچاری و نیاز مالی تن

به چنین کاری می‌دهد که در موقع بازپرداخت مبلغ ربا باید مقداری را نیز تحت عنوان بهره به ربا خوار بپردازد، این امر توزیع عادلانه ثروت در جامعه را دچار مشکل می‌کند (عباس حاجی، ۱۳۸۹، ۱۳۰).

۳- احتکار و انحصار طلبی

احتکار از منظر اسلام به لحاظ اینکه قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد و توزیع را دچار مشکل می‌کند، حرام شمرده شده است؛ چون حفظ و انبار کالا و خدمات توسط عده محدودی، باعث اختلال در نظام توزیع ثروت شده و ثروت در دست عده خاصی قرار گرفته که به واسطه احتکار اموال و ثروت‌های هنگفت و نامشروعی را به دست می‌آورند و مانع گردش صحیح ثروت در جامعه می‌شوند و در نتیجه جامعه به فساد و اقتصاد کشور رو به شکست کشیده می‌شود، بلکه در اثر وجود پول، یعنی وسیله مبادله کالا در دست مردم با نبودن کالا در بازار یا کمبود آن، تورم که از بیماری‌های بسیار خطرناک اجتماعی است به وجود می‌آید که در صورت ادامه، آثار ناهنجار معنوی نیز در پی خواهد داشت و در نهایت در زنجیره نظام جامعه اختلال و در نتیجه جامعه را بیمار خواهد ساخت (محقق داماد، ۱۳۶۲، ۱۰).

سیدمحمدباقر صدر در زمینه پول و ثروت و گردش پول در جامعه می‌نویسد: «پس از آنکه عصر پول آغاز گردید و پول بر بازرگانی مسلط شد و تولید و فروش راه جدیدی را در پیش گرفت، تا آنجا که مقصود از تولید و فروش اندوختن پول و جمع ثروت شد، نه برآوردن احتیاج، طبیعتاً توازن عرضه و تقاضا مختل گردید و انگیزه‌های احتکار در افزایش و تعمیق تضاد بین عرضه و تقاضا مختل گردید و انگیزه‌های احتکار در افزایش و تعمیق بین عرضه و تقاضا نقش خطرناک خود را ایفا کرد، تا آنجا که گاهی امکان داشت محتکر تقاضای کاذبی را به وجود آورد، بدین سان که همه کالاهای موجود مورد نظر خویش را از بازار می‌خرید، نه برای آنکه به آن‌ها احتیاج داشت، بلکه این عمل را به این جهت انجام می‌داد که ارزش آن‌ها را بالا ببرد و گاه برای آنکه تولیدکنندگان و فروشندگان دیگر را مجبور سازد که از صحنه رقابت عقب‌نشینی و اعلان افلاس و ورشکستگی کنند، کالاها را با ارزشی کمتر از هزینه تمام شده به بازار عرضه می‌کرد. طبیعی است که به این ترتیب ارزش‌ها یک وضع غیرطبیعی پیدا می‌کند و بازار تحت سیطره احتکار قرار می‌گیرد و هر آن، هزاران فروشنده و تولیدکننده در مقابل احتکارکنندگان بزرگ که بر بازار سیطره یافته‌اند سقوط می‌کنند (صدر، ۱۳۷۵، ج ۱، ۴۵۳).

بر اساس آموزه‌های قرآنی، انحصار طلبی یکی از موانع مهم در سر راه گردش سالم اقتصاد است. اینکه مثلاً برخی تنها از ثروت و نعمت برخوردار شوند موجب می‌شود تا دیگران محروم شده و نتوانند زندگی سالم داشته باشند.

از نظر اسلام هرگونه انحصارطلبی و تمرکز اموال و سرمایه در دست ثروتمند به عنوان عامل ضد اقتصادی شمرده شده و ممنوع است «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر، ۷).

اسلام، ثروت اندوزی و انحصارطلبی در اموال را ممنوع دانسته «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» و کسانی [از کفار یا مسلمین] که طلا و نقره می اندوزند و در راه خدا هزینه نمی کنند — همه آنان را به عذابی دردناک بشارت ده (توبه، ۳۴).

سنت‌های الهی در مصرف

مصرف صحیح آثار فردی و اجتماعی فراوانی به دنبال دارد زیرا در سطح کلان، تا امکانات یک جامعه با نیازها و خواست‌های افراد آن جامعه متناسب و هماهنگ نباشد، کسب استقلال اقتصادی و دست‌یابی به عزت و سرافرازی ممکن نمی‌گردد و در سطح فردی، بدون اجتناب از مصارف غیر ضرور و تجملی و تقدیر معیشت به معنای متوازن نمودن درآمدها و هزینه‌ها آرامش روحی- روانی که شرط اصلی رفاه مادی است، به وجود نمی‌آید.

اعتدال در مصرف و قناعت موجب بقای نعمت و پدیدآورنده زمینه مناسبی برای رشد صفات و کمالات معنوی در انسان است. بنابراین، خودداری از اسراف و تبذیر یکی از محدودیت‌های مصرف می‌باشد. نقطه مقابل اسراف، تقصیر و سخت‌گیری در مصرف و هزینه‌کردن برای معیشت و زندگی انسان از نظر قرآن کریم امری مذموم می‌باشد؛ زیرا افراط و تفریط در هیچ کاری عقلایی نبوده و از نظر دین نیز امری ناپسند قلمداد می‌گردد.

۱- اتراف

«اتراف» واژه‌ای است برگرفته از قرآن کریم، که برخی از مشتقات آن در قرآن به کار رفته است از جمله: مترفین «إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ» (واقع، ۴۵) اتراف یعنی در ناز و نعمت غرق بودن، تنعم گرای، مصرف زدگی، و از شدت برخورداری سرمست گشتن و سرکش شدن، افراط در برخورداری از نعمت‌ها و امکانات و بی‌خبری و کامرانی گشته و مترف یعنی انسان غرق در نعمت بسیار و مصرف گرا و متنعم (شاد خوار)؛ در جوامعی که تبعیض، تفاوت، تنگدستی و محرومیت وجود دارد، هرکس بیش از حد معمول از امکانات بهره برد و با استفاده از قدرت و ثروت خویش به ریخت و پاش و پرخرجی و رفاه زدگی گراید «مترف» است و این امر از نظر «قرآن کریم» مردود و محکوم است (حکیمی، ۱۳۹۵، ج ۳، ۲۳). این ویژگی خطرناک زمینه‌ساز انواع گناهان فردی و اجتماعی است. امیرالمؤمنین درباره خطر اتراف می‌فرماید: «... اتَّقُوا سَكَرَاتِ النَّعْمَةِ» از سرمستی‌های نعمت بترسید و برحذر باشید (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱). اگر انسان خود را بشناسد و هدف و غایت حیات خویش را بداند، از مستی نعمت برون می‌آید، و از خواب غفلت بیدار می‌شود. اگر بداند که آفریده نشده تا همچون دیگر حیوانات در زمین بخورد، بیاشامد، بزیاید، بیاساید و گوهر وجودی خود را چنان که شایسته است دریابد، روی به کامرانی و نازپروردگی نخواهد آورد و به افق‌های دورتری خواهد نگریست. علی^(ع) که خود انسان کامل و جوهره هستی و غایت خلقت بود، به خوبی این را می‌دانست، چنان که در نامه خود خطاب به عثمان بن حنیف، هنگام که

با خیر شد وی بر سر سفره اشرف نشسته، فرمود آفریده نشدم که چونان حیوان به آخور بسته‌ای که او را اندیشه‌ای جز علف نباشد یا چهارپایان رها شده در چراگاه که تنها کارشان نشخوار باشد و علف‌ها بخورند غافل از آن که در پروار کردنشان دام داران با چه انگیزه‌اند، و (آفریده نشدم) که بی‌هدف رها شوم و عمر را به پوچی بگذرانم، یا به ریسمان گمراهی گردن بسپارم، یا راه سرگردانی بپیمایم. آیا سزاوار است که چرندگان، فراوان بخورند و راحت بخوابند، و گله گوسفندان پس از چرا کردن به آغل رو کنند، و علی نیز [همانند آنان] از زاد و توشه خود بخورد و استراحت کند چشمش روشن باد که پس از سالیان، چهارپایان رها شده، و گله‌های گوسفندان را الگو قرار دهد (نهج البلاغه، نامه ۴۵).

به طور کلی برای این که انسان در زمره مترفین قرار نگیرد و به منظور جلوگیری از دچار شدن به غفلت و مستی نعمت از آیات و روایات می‌توان راه حل‌های ذیل را استفاده نمود:

الف- یادآوری این مطلب که همه نعمت‌های انسان از خداوند است و خداوند غنی محض است انسان از خود هیچ ندارد و فقیر محض است یا «أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» ای مردم! شما (همگی) نیازمندان به خدا هستید، تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هر گونه حمد و ستایش است (فاطر، ۱۵).

ب- توجه به این که اموال و نعمت‌های الهی برای آزمایش و امتحان بندگانش می‌باشد نه مایه تفاخر و مباهات «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» و بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است و پاداش عظیم (برای آن‌ها که از عهده امتحان برآیند) نزد خدا است (انفال، ۲۸).

ج- آن چه عامل قرب به خداوند و مایه عزت و آبروی حقیقی است داشتن تقوا و پرهیزگاری است نه داشتن مال و منال و قدرت «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم، تا یکدیگر را بشناسید، ولی گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست، خداوند دانا و خبیر است (حجرات، ۱۳).

۲- شکر

مشکلات انسان همیشه ناشی از ندانستن نیست، بلکه در موارد بسیاری ناشی از غفلت، فراموشی و بی‌توجهی به نعمت‌هاست. خداوند مهربان نعمت‌های بسیار گسترده‌ای به انسان عطا فرموده است، اما غفلت و فراموشی آفت بزرگی است که انسان را دچار خود کرده است. یادآوری نعمت‌های الهی که در حقیقت همان شکر و سپاس از نعمت‌های الهی است که باعث افزایش نعمت‌های الهی می‌شود و کفران آن باعث از دست دادن نعمت‌های الهی می‌شود.

یکی از مشکلات اقتصاد اسلامی عدم توجه به نعمت‌های الهی است چون توجه نداشتن به نعمت‌های الهی باعث اسراف در مصرف می‌شود که همان کفران نعمت‌الهی و یگانه عامل فقر در کشورهای اسلامی است. اگر ثروتمندان جامعه اسلامی بجای اسراف در مصرف به فقرای جامعه کمک کنند؛ فقر از کشورهای اسلامی برداشته خواهد شد.

براساس آیات قرآن چیزی که با شکر نعمت اتفاق می‌افتد چیزی فراتر از افزایش خود نعمت است؛ زیرا خداوند می‌فرماید، «وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» بخاطر بیاورید هنگامی که پروردگارتان اعلام فرمود: که اگر شما شکر نعمت بجای آورید، بر نعمت‌های اعطایی شما می‌افزایم و اگر کفران نعمت کنید، بعذاب بسیار شدید گرفتارتان می‌کنم. این بدان معناست که شکر نعمت موجب می‌شود ظرفیت وجودی انسان را افزایش دهد و شرح صدر و انشراح صدری در انسان پدید آید، تا او را در مقام قرب الهی بالاتر قرار دهد و زمینه را برای بهره‌مندی بیش‌تر از نعمت‌های جدید یا همان نعمت پیشین در قالب بهتر و سود بیشتر فراهم می‌آورد.

۳- تبذیر

در دین مبین اسلام از اسراف و تبذیر به عنوان یک پدیده شوم یاد شده است و این امر را باعث هلاکت برخی اقوام پیشین نیز دانسته و از مسلمانان خواسته شده است تا به شدت از آن پرهیز نمایند تا جایی که خداوند متعال در قرآن کریم از انسان‌های اسراف‌کار بعنوان برادران شیطان یاد می‌کند و می‌گوید: «... وَ لَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا» و «إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا» و هرگز اسراف و تبذیر مکن چرا که تبذیرکنندگان برادران شیطانند و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود (اسراء، ۲۷-۲۶). و یا می‌فرماید: اسراف کنندگان اصحاب آتشند (غافر، ۴۳).

آن روزی که ارقام و آمار، همچون امروز دست انسان‌ها نبود و دانشمندان به این مسأله پی‌نبرده بودند که جمعیت بشر سریعتر از مواد غذایی زیاد می‌شود و در نتیجه برای آینده نگرانی روزافزون و سختی زندگی و فقر و فاقه دائمی پیش‌بینی نشده بود، اسلام هشدار داده که در بهره‌گیری از مواهب الهی در زمین، از اسراف و تبذیر خودداری کنند؛ قرآن مجید در آیات زیادی شدیداً مسرفان را محکوم کرده است می‌فرماید «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» اسراف نکنید که خدا اسرافکاران را دوست نمی‌دارد (فرقان، ۶۷). در جای دیگر اسرافکاران را اصحاب دوزخ می‌شمرد و می‌فرماید «وَ إِنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (اسراء، ۲۹) و هم‌چنین از فرمانبرداری از مصرفین منع می‌کند: «وَ لَا تُطِعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» و فرمان اسرافکاران را اطاعت نکنید (شعراء، ۱۵۱) چون مصرفین را خداوند هدایت نمی‌کند «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» (غافر، ۲۸).

همانطوری که مشاهده می‌شود، طبق منطق قرآن کریم خداوند به زمین برکت داد تا قوت تمام مردم روی زمین در چهار نوبت سال به طور یکسان برآورده شود. در حالی که هزاران نفر در کشورهای مختلف جهان در نتیجه مصرف بی‌رویه مواد غذایی و افراط در آن به افزایش کلسترول، چربی و قند مبتلا شده و در اثر بیماری زود رس قلب و عروق و سرطان در می‌گذرند و در نتیجه همین اسراف و تبذیر در مواد غذایی، میلیون‌ها انسان در دنیا، دست به گریبان گرسنگی هستند.

نتیجه گیری

از مجموع مطالبی که در تمام فصول مطرح گردیده می‌توان نتایج ذیل را بدست آورد:

۱- سنت‌های الهی قوانین هستند از جانب پروردگاری که آفریننده تمام موجودات و جهانی هستی تحت تدابیر حکیمانه او قرار دارد و قوانین او در تمام عرصه‌ها متناسب با ظرفیت‌های و قابلیت‌های انسان و موجودات است. یکی از این قوانین الهی در قرآن کریم سنت اقتصادی در نظام اسلامی است و اگر این قوانین در نظامی اقتصاد اسلامی حاکم شود، یک نظام اقتصادی پویا در کشورهای اسلامی خواهیم داشت و می‌توان این نظام اقتصاد اسلامی را در کشورهای دیگر صادر کرد.

۲- یکی از سنت‌های الهی در قرآن کریم سنت تغییر و دگرگونی نعمت‌های الهی است؛ پدیده تغییر در اقتصاد به عوامل گوناگون بستگی دارد، در این میان اراده انسان نقش اساسی و محوری دارد؛ انسان‌ها با رفتار خودش تغییرات ایجاد می‌کند ابتدا تغییر از درون آغاز می‌گردد، وقت فکر انسان تغییر کرد دنبال آن تغییر اقتصادی صورت می‌گیرد؛ آثار و پیامدهای آن، نزول نعمت‌های مادی و معنوی پروردگار عالم است. اگر جهت تغییر بسوی فساد و تباهی صورت گیرد آن نعمت‌های تبدیل به نعمت و غذای خواهد شد. رفتارهای اقتصادی اگر مبتنی بر ارزش‌های انسانی باشد پیامد آن رفاه و آسایش همگانی را دنبال خواهد داشت و اگر رفتارهای غیر انسانی سود جوایانه و منفعت طلبانه باشد جز ظلم و بدبختی و بحران چیزی به دنبال نخواهد داشت.

۳- یکی از سنت‌های خاص اقتصادی سنت رزق است؛ براساس نگرش اقتصاد اسلامی که مبتنی بر جهان بینی الهی و توحید افعالی است تمام موجودات از جمله انسان‌ها از رزق الهی بهره‌مندند، که در دو گستره عام و خاص قابل تبیین است. اول همگانی و عمومی بوده که تمام مخلوقات از آن بر خوردارند اما نوع دوم از مسیر خاص برای انسان میسر است. با نگاه موضوعی به آیات قرآن می‌توان به ماهیت پدیده رزق، ابعادی و نقش آن در فراینده توسعه اقتصادی پی برد.

۱- یکی دیگر از سنت خاص اقتصادی سنت تسخیر است؛ طبق این سنت همه موجودات و نعمت‌های الهی است که در خدمت انسان قرار داده شده است، تسخیر موجودات، بیانگر نقش خداوند متعال است که جهان را مسخر انسان قرار داده و تمام منابع و امکانات را در اختیار او قرار داده است.

۲- سنت برکت، بیانگر این قاعده و قانون الهی است، که هر جامعه اگر در مسیر زندگی خویش ایمان و تقوا را در پیش گیرند، در مقابل خداوند متعال برکات آسمان و زمین را برای آن جامعه فرود آورد. قرآن کریم سنت برکت را در قالب قضیه شرطیه مطرح نموده است که تحقق جزا وابسته و معلق

شرط است در صورت که شرط محقق گردد، جزا نیز محقق می‌شود؛ جزا در صورت پدید آمدن شرط امرحتمی و قطعی و تخلف ناپزیر است.

منابع

❖ قرآن

❖ نهج البلاغه

- ۱) ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث والاثر، اسماعیلیان، قم، ۱۳۶۷.
- ۲) ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، تهران، علمی و فرهنگ، ۱۳۷۴.
- ۳) ابن منظور الأزهري، لسان العرب، بی نا، بیروت، ۲۰۱۰م.
- ۴) ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹.
- ۵) مرادخانی تهرانی، احمد، سنت‌ها اجتماعی الهی در قرآن، ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
- ۶) اداره کل سازمان تبلیغات خراسان رضوی، پدیده‌شناسی فقر و توسعه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰.
- ۷) اصغری، سید محمد، بررسی حقوقی و فقهی در مسأله رشوه و احتکار، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۸.
- ۸) امام موسی صدر، رهیافت‌های اقتصادی اسلام، انتشارات موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام صدر، ۱۳۸۶.
- ۹) جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۰.
- ۱۰) چپراء، محمد عمر، اسلام و چالش‌های اقتصادی، مترجمین، سید محمدحسین میرمغزی، علی اصغرهادی نیا، احمد علی ناصری جهانیان، تهران، سازمان انتشارات پژوهش فرهنگ و اندیشه اسلامی، سوم ۱۳۸۱.
- ۱۱) انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ناشرسخن، ۱۳۹۰.
- ۱۲) حکیمی، محمد رضا، الحیاه، ترجمه: احمد آرام، دلیل ما، ۱۳۹۵.
- ۱۳) دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۴) دیوید بگ، استانیلی فیشر، علم اقتصاد خرد، مترجم: محمد حسین تیزهوش، تهران، جنگل، ۱۳۸۴.
- ۱۵) راغب اصفهانی، مفردات، دارالشامیه بیروت.

- (۱۶) زکوی، غلام حسین، حکومت خداوند یا سنت ایجاد و تأثیر، اדיان، ۱۳۹۲.
- (۱۷) سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله، ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن، دارالمعارف المطبوعات بیروت، ۱۴۱۹ق.
- (۱۸) صدر، سید محمدباقر، المدرسه القرآنیه، دار التعارف بیروت، ۱۳۶۲.
- (۱۹) صدر، محمد باقر، اقتصادنا، مکتب الاعلامه السلامی، قم، ۱۳۷۵.
- (۲۰) طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰جلد، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی قم، پنجم، ۱۳۷۴.
- (۲۱) طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیرالقرآن، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ق.
- (۲۲) عباس حاجی، جعفر، مکتب اقتصادی اسلام، مترجمان سید محمد کاظمی رجای و محمد مهدی کرمی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- (۲۳) عبدالرحیم عبد الکریم صفی پوری شیرازی، منتهی الارب، ناشر: دانشگاه تهران، ۱۳۹۳.
- (۲۴) عمید، حسین، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۹۰.
- (۲۵) فیروزآبادی، مجدالدین، القاموس المحيط دارالکتب السلامیه، بیروت لبنان.
- (۲۶) قاسمی، عبدالرسول، مصطفی شرف، اقتصاد خرد، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۵.
- (۲۷) کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، علمیه السلامیه، ۱۳۶۹.
- (۲۸) محقق داماد، سیدمصطفی، تحلیل و بررسی احتکار از نظر فقه اسلام، تهران، اندیشه نو در علوم اسلامی، ۱۳۶۲.
- (۲۹) رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، هیئته المصریه العامه للکتاب ۱۳۶۶ هـ - ۱۹۴۷م.
- (۳۰) گیلانی، محمد، قرآن و سنن الهی در اجتماع بشر، مقدمه زندالعابدین قربانی لاهیجی، قم، سایه، ۱۳۷۵.
- (۳۱) محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ناشر قم درالحديث ۱۳۸۴.
- (۳۲) محمد هیشور، سنن القرآن فی قیام الحضاره و سقوطها.
- (۳۳) مراد خانی احمد، سنت های اجتماعی الهی در قرآن، نشر بین المللی المصطفی، ۱۳۸۶.
- (۳۴) مرتضی مطهری شرح منظومه، صدرا، ۱۳۹۳.

- (۳۵) مصباح یزدی محدثقی، جامعه و تاریخ از دیدگاهی قرآن، تهران شرکت چاپ
نشر بین الملل، دوم، ۱۳۷۹.
- (۳۶) مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و
ارشاد اسلامی ۱۳۶۸.
- (۳۷) مطهری مرتضی، جامعه و تاریخ، تهران انتشارات صدرا، هشتم، ۱۳۷۰،
- (۳۸) مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران، صدرا، ۱۳۹۲.
- (۳۹) معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران: زرین، ۱۳۸۲.
- (۴۰) مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة تهران،
دهم، ۱۳۷۱.
- (۴۱) منکیو گریگوری مبانی علم اقتصاد، مترجم حمیدرضا ارباب، نشر نی، ۱۳۸۹.
- (۴۲) میرمعزی سید محمد حسین، فلسفه اقتصاد اسلامی، ۱۳۸۸.
- (۴۳) میرمعزی محمد حسین، نظام اقتصادی اسلامی سازمان انتشارات فرهنگی
واندشه اسلامی تهران ۱۳۹۰.
- (۴۴) هادوی نیا علی اصغر فلسفه اقتصاد در پرتوی جهان بینی قرآن کریم تهران ناشر
سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندشه اسلامی، ۱۳۸۶.